

## The Role of the Law In the Duties of Couples with Emphasis on Moral Principles and Islamic Lifestyle

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Analytical Review

#### Authors

Hedayatullah Hosseinzadeh<sup>1</sup>,  
Hormoz Asadi Koohbad<sup>2\*</sup>,  
Seyed Hassan Hosseini<sup>3</sup>,  
Goodarz Shateri<sup>4</sup>

### ABSTRACT

One of the important topics in the field of jurisprudence in which the rule of attachment plays an important role is "the duties of couples". Narrations and their use and legal materials and the design of jurisprudential-legal perspectives, the present study has dealt with this important in a descriptive-analytical manner; The man mentioned the handing over of the internal management of the house to the wife, the moral orientation in the duties of the couple, observing the principle of "good fellowship" in alimony, dowry, breastfeeding wages, sexual relations and dissolution of marriage.

#### How to cite this article

Hedayatullah Hosseinzadeh, Hormoz Asadi Koohbad, Seyed Hassan Hosseini, Goodarz Shateri, The Role of the Law In the Duties of Couples with Emphasis on Moral Principles and Islamic Lifestyle, Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2019;3(2):143-150.

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: asadi-koohbad@gmail.com

#### Article History

Received: 2019/02/20

Accepted: 2019/05/24

ePublished: 2019/06/20

**Keywords:** Concomitant, Couple's Homework, Ethics, Islamic Lifestyle

## نقش قانون ملازمه در تکالیف زوجین با تأکید بر

## مبانی اخلاقی و سبک زندگی اسلامی

هدایت الله حسین زاده<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری تخصصی رشته ی فقه و مبانی حقوق اسلامی،

واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

هرمز اسدی کوهباد<sup>۲</sup>

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه

آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران (نویسنده مسئول)

سید حسن حسینی<sup>۳</sup>

استاد یار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز،

دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

گودرز شاطری<sup>۴</sup>

استاد یار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز،

دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

## چکیده

یکی از مباحث مهم در حوزه ی فقه پژوهی که قاعده ملازمه در آن نقش به سزایی ایفا می کند «تکالیف زوجین» است. هدف این نوشتار، تبیین ملازمه ی تکالیف زوجین بر اساس اخلاق و سبک زندگی اسلامی می باشد که با استناد به آیات و روایات و بهره گیری از آنها و مواد قانونی و طرح دیدگاه های فقهی-حقوقی، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به این مهم پرداخته است؛ بنابراین، از دستاورد های آن می توان به تقدم اخلاق بر قانون در روابط زوجین، انتساب سرپرستی خانواده به مرد، واگذاری مدیریت داخلی منزل به زن، ملازمه ی اخلاق مداری در تکالیف زوجین با رعایت اصل «حسن معاشرت» در نفقه، مهریه، اجرت شیردهی، روابط جنسی و انحلال ازدواج اشاره کرد.

واژه های کلیدی: ملازمه، تکالیف زوجین، اخلاق، سبک زندگی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۳

\* نویسنده مسئول: asadi-koohbad@gmail.com

## بیان مسئله

خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی جامعه ی بشری است، که استحکام آن امری لازم و ضروری است و فقط با تلاش دو رکن اصلی آن یعنی زن و مرد و با رعایت حقوق یکدیگر به دست می آید. موضوعی که شارع مقدس در خانواده و امر ازدواج بیشتر به آن پرداخته، حفظ حدود و رعایت حقوق زوجین است؛ بنابراین درک معنا و ضرورت برخی از حقوق و تکالیف شرعی زوجین و التزام عملی به آنها بدون عنایت به نظام اخلاقی و سبک زندگی دین اسلام امکان پذیر نیست. این بخش از تعالیم اسلامی، بهتر می تواند اهمیت و ضرورت بررسی ملازمه ی اخلاق مداری با استیفاء حقوق و انجام دادن تکالیف شرعی را نمایان سازد. چنین ملازمه ای در نهاد خانواده اهمیتی دو چندان دارد؛ زیرا خانواده از دیدگاه اسلام، تنها یک سازمان حقوقی نیست، بلکه نهادی است مرکب از قواعد حقوقی و اخلاقی، که در آن غلبه با اخلاق است. چرا که قدرت اساسی حاکم بر خانواده، به عنوان رکن طبیعی و بنیادین

اجتماع، عواطف انسانی است. در این دیدگاه، تشکیل خانواده برای هر انسان یک وظیفه ی بزرگ الهی محسوب می شود، از این رو نکاح در دین اسلام مقدس و طلاق میغوض به شمار می رود و هدف از تشکیل خانواده در قرآن ایجاد آرامش، مودت، رحمت و زمینه ای برای رشد و بالندگی، تقویت و تکمیل هر یک از زن و مرد به وسیله ی دیگری و رکن اساسی در تحقق این اهداف، ملازمه ی اخلاق مداری با حقوق و تکالیف زوجین در خانواده است.

## ۱-۲) واژه شناسی مفاهیم

۱-۲-۱) «ملازمه»: «ملازمه» (مُزَمَّ مَزَم) از باب مفاعله است که از لزوم می آید و در لغت یعنی به کسی یا چیزی پیوستن، همیشه در خدمت کسی بودن، پیوستگی دائمی (۱). عدم جدایی و عدم مفارقت، به این معنا که لازم از ملزوم خود نمی تواند جدا شود؛ بنابراین، به این رابطه ملازمه گفته می شود. در اینجا ملزوم همان حکم عقل است که لازمه ی آن حکم شرع می باشد. لوازم، جمع لازمه است. هر گاه برای یک امری، پیامد و نتیجه ای وجود داشته باشد، آن امر را «ملزوم» و آن پیامد را «لازمه» و توقف لازمه بر ملزوم را «ملازمه» می نامند. به عبارتی دیگر، منظور از لازمه، آن امری است که تصور ذهنی آنها، متأخر از تصور ملزومات آنهاست؛ یعنی ملازمه، پیامد و نتیجه ی ملزوم خود است بر خلاف مقدمات که تصور آنها مقدم بر تصور ذی المقدمه است (۲).

قاعده ی ملازمه در اصطلاح فقهی و اصولی مرکب از دو جزء است یکی «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» یعنی هر چه که عقل به آن حکم کرد لازم است که شرع هم به آن حکم کند؛ بنابراین، بین حکم عقل و شرع نمی توان جدایی انداخت. پس اگر عقل حکم کرد که تصرف در مال غیر بدون رضای صاحبش قبیح است، شارع هم باید به قبح آن حکم کند. بدیهی است که تقبیح شارع، ذم و کیفر است و اگر عقل حکم کرد که وفای به عهد حسن است، شارع هم به حسن آن حکم می کند و تحسین شارع عبارت است از مدح و حمایت از این حکم عقلی، بدین نحو که مثلاً فسخ یک جانبه را به رسمیت نخواهد شناخت. همین طور عکس این قاعده هم صحیح است؛ مطابق با «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل»؛ یعنی اگر شرع حکم کرد که بنده باید زکات دهد عقل هم حکم می کند که عبد باید از فرمان مولایش تمکین کند و در صدد طغیان بر نیاید و رسوم بندگی را زیر پا نگذارد.

۱-۲-۲) تکلیف: واژه ی تکلیف مصدر باب تفعیل در لسان اهل لغت از ماده ی ثلاثی مجرد «کلفت» به معنای مشقت و دشواری، اشتقاق یافته است (۳). و از ریشه ی «کلف» به معنای امر کردن به چیزی است که انجام آن دشوار باشد. در فرهنگ دین، تکلیف به فرمان الهی اطلاق می شود (۴). در فرهنگ فارسی به معنای به رنج افتادن، بار کردن، به گردن گذاشتن، کاری سخت و شاق را به عهده ی کسی گذاشتن، رسیدن به سن بلوغ و رشد، وظیفه ای که باید انجام شود، او امر و نواهی خداوند بر بندگان، مالیات غیر مستمر یا فوق العاده و مصادره آمده است (۵). تکلیف در اصطلاح فقهی به معنای وظیفه ای است که از ناحیه ی دین برگردن بندگان نهاده می شود که به واسطه ی آن انجام دادن یا ترک کاری بر فرد واجب می شود. به عبارت دیگر در فقه تکلیف را خواست شارع برای انجام دادن یا انجام ندادن امری دانسته اند که بر آوردن آن خواست، مستلزم سختی و مشقتی است. این خواست شارع به صورت حکم بیان می شود و خطابی است که متعلق آن افعال مکلفین است (۶). تکلیف در اصطلاح حقوقی امری است که فرد ملزم به انجام آن می باشد و هر گاه بر خلاف آن رفتار نماید به جزایی که در خور آن امر است دچار می گردد (۷).

۱-۲-۳) تکالیف زوجین: منظور از «تکالیف زوجین در خانواده» مجموعه ای از اوامر و فرامین الهی است که بر عهده ی هر یک از زن و مرد در درون نهاد خانواده و در تعامل با یکدیگر و

همان «تقوا» باشد که می توان آن را «ترس آمیخته با احترام از خداوند» معنا کرد. امر سوم وظایف عملی و عبادات است. از آن جایی که پیام اصلی اسلام، توحید است و یکی از مراحل آن، توحید در عبادت است، پس از قبولی قلبی و اقرار زبانی به اصول فوق، باید عمل به ارکان را مکمل موجود بودن شمرد. عبادات یا وظایف عملی، بخش مهمی از مجموعه اعمال و رفتارها را تشکیل می دهد که در فرهنگ اسلامی به عنوان «فروع دین» شناخته شده است و در کنار اصول دین قرار دارد. بر همین اساس، تعالیم اسلام تمام وظایف زندگی را پوشش می دهد و سبک زندگی برگرفته از آن، سبک زندگی ایده آل و مطابق با فطرت بشریت است. در نهایت می توان گفت سبک زندگی اسلامی جامعیت داشته و مولفه های مختلفی را در بر می گیرد که از مهمترین آنها می توان به مؤلفه های اجتماعی، عبادی، اخلاقی، مادی، فکری علمی و... اشاره کرد که به دلیل اختصار از تعریف هر یک صرف نظر می شود.

### ۱-۳) رویکرد های ملازمه در علم حقوق و اخلاق

در علم حقوق، هنگام سوال از پیوست و ملازمه ی حقوق و اخلاق با یکدیگر، سه رویکرد متفاوت مشاهده می شود که عبارتند از: الف: عده ای حقوق و اخلاق را دو مقوله ی متباین از یکدیگر دانسته، برای هر یک قلمرو خاصی قائل اند و هیچ رابطه ی منطقی بین آنها متصور نیستند. این دسته از حقوقدانان سخت تلاش کرده اند که علم حقوق را از سایر علوم به ویژه علم اخلاق پالایش کنند (۱۳).

ب) در دو رویکرد دیگر، بر پیوند وثیق بین قواعد حقوقی تأکید شده است، با این تفاوت که در نظر گروهی، حقوق و اخلاق با یکدیگر اتحاد داشته، حقوق، جزئی از اخلاق تلقی می شود و هویتی مستقل ندارد. همچنین اخلاق، تنها یکی از مبانی ایجاد حقوقی نیست بلکه عامل اصلی ایجاد و نیروی هدایتگر آن است که توانایی از بین بردن قواعد آن را نیز دارد (کاتوزیان به نقل از ریپر، ۱۳۸۶، ش ۱، ص: ۲۷۲).

ج) در نظر گروه سوم هر یک از حقوق و اخلاق هویتی مستقل دارند، ولی با یکدیگر در تعامل بوده و بر هم اثر می گذارد. این دیدگاه، هر نظام حقوقی را نیازمند یک نظام اخلاقی دانسته که همگام با آن حرکت می کند (۱۴). بدین ترتیب هر یک از نظام های حقوقی معاصر، با بهره گیری از رویکردی متمایز، قائل به وجود گستره ی متفاوتی از رابطه ی قواعد حقوقی و اخلاقی هستند.

از وجود توصیه های اخلاق مدار در میان آیات قرآن و سخنان معصومین (ع) ملازمه ی اخلاق مداری با شئون مختلف زندگی بشر در دیدگاه اسلام بر می آید به گونه ای که می توان معتقد بود دین اسلام برای حیات فردی و اجتماعی انسان، نظامی اخلاقی ارائه داده که پشتوانه ی آن نظام حقوقی است. هر چند از تعالیم دین اسلام نمی توان به قطع و یقین، اتحاد یا استقلال قواعد اخلاقی و حقوقی را تعیین کرد؛ اما وجود ارتباط عمیق میان حقوق و اخلاق در اسلام، امری است که توسط بسیاری از صاحب نظران علم حقوق بدان تصریح شده است (۱۵، ۱۶).

### ۴-۱) رابطه حق و تکلیف

میان دو اصطلاح حق و تکلیف رابطه ی تنگاتنگی وجود دارد، به این صورت که وقتی حق در مقابل تکلیف قرار می گیرد، به معنا ی «امتیاز بر» یا «حق بر»، کسی یا چیزی است؛ به این رابطه تلازم حق و تکلیف گفته می شود، یعنی وقتی از حق سخن به میان می آید در مقابل آن تکلیفی است که باید به آن حق عمل شود (۱۷). از این رو، هنگام صحبت از حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر، چیزی که حق زن است، همان وظیفه ای است که به عهده ی شوهر گذاشته شده و وظیفه زن همان اموری است که حق مرد معرفی گردیده است، یعنی آنگاه که وظایف مرد برشمرده می شود؛ به معنای برشمردن حقوق زن و برشمردن وظایف زن همان حقوق مرد است؛ بنابراین، توازن حق و تکلیف،

فرزندان گذاشته شده است. این تکالیف در دیدگاه اسلام با طبیعت و تکوین جسمانی زن و مرد نیز پیوند دارد این اصل را می توان از وجود کارکردهای اجتماعی و خانوادگی متفاوت زن و مرد در آموزه های اسلامی دریافت کرد.

۱-۲-۴) اخلاق: اخلاق در لغت عرب جمع خلق و خلق است و در معانی سرشت، طبیعت، عادت، خوی و... به کار می رود (۸). قرآن کریم واژه ی خلق را به همین معنا به کار برده است «و انک لعلی خلق عظیم» به راستی که تو را خوبی والا است (قلم، آیه ی ۴). اخلاق در مفهوم اخلاق مداری نیز معنای نیکویی و فضیلت را در بر دارد؛ بنابراین مفهوم اخلاق مداری در رویکرد اسلامی شامل مجموعه ای از توصیه ها، قواعد و هنجارهایی است که بر مبنای ملکات پسندیده ی نفس انسان نهاده شده اند و در ملازمه با تکالیف و احکام شرعی، وی را به کمال مطلوب و به تعبیری دیگر به سعادت رهنمون می سازد.

۱-۲-۵) مفهوم سبک زندگی: سبک زندگی از ترکیب دو واژه سبک و زندگی با دو بار معنایی متفاوت تشکیل شده است. معنای لغوی واژه زندگی یعنی «زیستن» که روشن است، اما در تعریف واژه ی سبک در لغت نامه های فارسی و غیر آن، معانی گوناگون درج شده است.

در زبان فارسی، واژه ی سبک در روند مفهومی خود، ابتدا و به شکل غالب در سبک شناسی ادبی و هنری به کار می رفت، اما به تدریج در دیگر حوزه ها نیز کاربرد یافته است. این کلمه به معنی طرز، شیوه، روش، طرز خاصی از نظم یا نثر و گذاختن چیزی را پس از ریختن آمده است (۱).

در زبان عربی این واژه از مصدر ثلاثی مجرد است که در سه مورد معنا پیدا می کند. نقره را گذاخت و در قالب ریخت (۹) سخن را اصلاح و نیکو کرد، تجربه های وی را آزمود (۱۰). امروزه در زبان عربی از معادل اسلوب برای معنای سبک بهره می برند (۱۱).

در مجموع ترکیب سبک زندگی در لغت نامه ها، دو معنا را به خود اختصاص داده است. یکی روش زندگی فرد، گروه یا فرهنگ و دیگری روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه. بنابراین، سبک زندگی عبارت است از: «شیوه ی زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده ی گرایش ها و ارزش های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می دهند» (۱۲). از این ترکیب برای معرفی نحوه و شرایط زندگی انسانها استفاده می گردد. به عبارت دیگر سبک زندگی از دیدگاه اسلام، به مجموعه ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه ی زندگی اشاره دارد که بر اساس آن، معیار رفتار ما باید مبتنی بر اسلام و آموزه های اسلامی باشد. خدا محوری و حاکمیت ارزش های اسلامی در زندگی از مهمترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است؛ در واقع، در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد و انسان به طور طبیعی مدلی را که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی داراست، در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می داند و تقرب به خدا و لقاء الله را هدف نهایی خود می بیند؛ از این رو، همه ی شئون زندگی خود را مانند نماز، عبادت، کسب کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می دهد.

بنابراین، در اسلام، سبک زندگی بر اساس سه محور اعتقادات، اخلاقیات و عبادات استوار است؛ اعتقادات یعنی ایمان به سه اصل توحید، نبوت و معاد که شالوده ی دیانت به اسلام را تشکیل می دهند. اخلاقیات، یعنی مسلمان ویژگی های درونی و روانی خود را به گونه ای بسازد که با کلیت این سیستم مفهومی هماهنگ و منطبق باشد. شاید محکمترین تعبیر قرآن در این زمینه

دلیل، می بایست تکالیف زوجین در خانواده از منابع اسلامی استخراج و سپس مصادیق ملازمه‌ی اخلاقی مداری با این تکالیف بیان شود. بنابراین، در اینجا برخی از مهمترین آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۷-۱) ملازمه ی اخلاق مداری در پرداخت نفقه: مهمترین تکلیف مرد در خانواده، سرپرستی است. همانطور که در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی آمده است: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص مرد است»؛ از این رو، پرداختهای مالی نفقه، مهریه، اجرت شیردهی از مصادیق این تکلیف کلان به شمار می روند. آیات متعددی از قرآن کریم مردان را در انجام دادن این تکالیف، به رعایت اصل معروف که مبین جایگاه اخلاق مداری در کلام وحی است، توصیه نموده‌اند. در مقابل این دعوت، به زنان نیز درباره ی رعایت حقوق همسر همراه با درستکاری، خوش خلقی، بخشش، صبر و سازش توصیه شده است. ماده ی ۱۱۰۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «در عقد دائم نفقه ی زن بر عهده ی شوهر است» و ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹ آورده «نفقه عبارت است از همه ی نیاز متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اساس منزل، هزینه های درمانی و بهداشتی، خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه ی مرض یا نقصان». در پرداخت نفقه ی زوجه، توصیه به اخلاق مداری در آیه ی ۲۳۳ سوره ی مبارکه ی بقره چنین مطرح شده است: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» و خوراک و پوشاک آنان (مادران)، به طور شایسته، بر عهده ی پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی شود». این آیه ی شریفه با طرح «اصل معروف» به عنوان شرط پرداخت نفقه، در حقیقت توصیه های همه جانبه کرده و از سوی دیگر تکلیف خارج از توان بندگان را از دوش ایشان برداشته است؛ به این معنا که انجام شرط مذکور در توان مردان می باشد و برای تحقق آن می بایست تلاش کافی را انجام دهند.

توصیف به معروف نشان می دهد که پدران در مورد لباس و غذای مادر، باید آنچه را که شایسته و متعارف و مناسب حال اوست در نظر بگیرند، نه سختگیری کنند و نه اسراف (۲۰). امیر المومنین کسب روزی حلال و ایجاد توسعه و رفاه در زندگی خانواده را از مصادیق حسن خلق مرد بر می شمارند و به این وسیله یک تکلیف شرعی را با اخلاق مداری پیوند می دهند (۲۱). مطابق آیه ی ۳۴ سوره ی مبارکه ی نساء، زن نیز مکلف به تبعیت از تصمیمات همسر در جایگاه مدیر خانواده همراه با درستکاری و حفظ اسرار همسر شده است. همچنین در روایات اسلامی، سپاسگزاری از همسر در هنگام وفور نعمت و رضایتمندی و سازش با همسر در هنگام تنگدستی وی از ارزش های مؤکد برای زنان در خانواده به شمار می روند. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «خیر نسائکم التي ان اعطیت شکرت و ان منعت رضیت» از بهترین زنان شما کسی است که هنگامی نعمتی به او می رسد شکرگزار باشد و هنگامی که نعمتی از او سلب می شود، راضی باشد.

در روایات متعدد دیگری نیز زنان از نهادن مسئولیت های خارج از توان، بر دوش مرد و نیز شکایت از همسر در غیاب او نهی شده اند. بنابراین، می توان اذعان کرد، درحالیکه مرد در پرداخت نفقه ی همسر خویش دعوت به تلاش هر چه بیشتر و رسیدگی شایسته به امور خانواده شده، زن نیز به صبر و سازش با وی در هنگام تنگدستی و شرایط سخت زندگی زناشویی و التزام به میانه روی و قناعت، توصیه شده است و اینگونه بر همکاری و وحدت هر چه بیشتر زوجین تأکید شده است. مصادیق دیگری از اخلاق مداری نیز در روایات معصومین (ع) دیده می شود که از مهمترین آنها، توصیه به زنانی است که در اقتصاد خانواده ایفای نقش می کنند. مطابق این روایات زن از منت گذاشتن بر همسر در امور مالی نهی شده است. رسول خدا می فرماید: «اگر زنی

برای خود فرد نیز صادق است؛ یعنی هر جا برای شخص حقیقی ثابت شده، در مقابل تکالیفی نیز برای او قرار داده شده است. از این رو، هیچ حقی بر کسی واجب نمی شود مگر در مقابل آن حق، وظیفه ای مقرر است. بر این اساس، رابطه ی حق و تکلیف رابطه ی توازن و تقارن است و آنها موازن و قرین یکدیگرند.

۱-۵) تقدّم اخلاق بر قانون در روابط زوجین  
آموزه های دینی همواره قوانین مربوط به خانواده را با رعایت مسائل اخلاقی تلطیف می کند تا اخلاق و قانون در کنار هم فضای متعادلی ایجاد کنند. از این رو، امام سجاده (ع) می فرماید: «نزدیک ترین شما کسی است که خوش اخلاق تر باشد و آن کس که بیشتر به زندگی عیال خود توسعه بخشد، بیشتر مورد خوشنودی خداوند است». در خانواده به ویژه در تنظیم روابط زن و مرد، همیشه اخلاق مقدّم بر قانون است و قواعد اخلاقی بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد؛ زیرا در این رابطه، سخن از عواطف انسانی، عشق؛ وفاداری و صمیمیت است و حقوق برای حکومت کردن بر آنها ناتوان می باشد. از این رو، به وسیله ی اجرائیه ی دادگاه، نمی توان مرد را به حسن معاشرت با زن و رعایت حقوق او واداشت و نمی توان زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری و ادای وظیفه ی خود در قبال او مجبور کرد. فقط اخلاق می تواند این وحدت معنوی را حفظ نماید، نه زور و قانون و در مواردی می توان به حقوق و قانون مدنی متصل شد که هیچ راهی برای استیفای حقوق نمانده باشد.

۱-۶) حسن معاشرت  
حسن معاشرت از اصولی است که قرآن کریم در آیات متعدد با بیان مختلف بر آن تأکید می ورزد (ر.ک: بقره: ۲۲۸-۲۴۱؛ نساء: ۱۹-۲۵) و استقرار در روابط بین زوجین را وظیفه ی آنها می داند و در دوازده مورد به نهادینه کردن این اصل در خانواده می پردازد. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز اینگونه بیان می کند: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند» (۱۸). روشن است که برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زن و شوهر کافی نیست؛ آنان در ضمن ازدواج، داوطلب شده اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند. همسری زن و مرد به معنای آن است که سلوک و رفتارشان با هم با خوشرویی و مسالمت و مهربانی باشد و از اعمالی که باعث ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه، نگرانی و اضطراب در دیگری میشود، بپرهیزند.

نکته ی مهم این است که تعیین مصادیق سوء معاشرت و یا حسن معاشرت از سوی قانون به دلیل تأثیر عادات، رسوم اجتماعی و...، به طور دقیق ممکن نیست. بنابراین، نمی توان شکل واحد و استاندارد را برای حسن معاشرت از سوی مراجع قانونگذاری تعیین نمود، بلکه تعیین نوع و کیفیت آن را قانون با رجوع اشخاص به عرف معقول و توجه به مقتضیات زمانی و مکانی حل می نماید. (۱۹). به علاوه همه ی حقوقدانان بر این باورند که در حریم خانواده، نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن بدون پشتوانه اخلاق، امری غیرممکن است و ورود دولت مردان و مسئولین قضایی به حمایت از آیین نامه های حقوقی، کمتر توانسته است به معضلات خانواده پاسخ مناسب دهد و هرچه این قانون از دست برد جنجال ها و کشمکش های حقوقی مصون تر باشد، ثبات و استحکام بیشتری دارد و افراد آن از شخصیت کامل تری بهره مندند. با اندکی مسامحه می توان پاره ای از مصادیق حسن معاشرت را اینگونه برشمرد: خوش خلقی و گشاده رویی، احترام به همسر و تکریم شخصیت او، زینت و آراستگی، همدلی و مشارکت در انجام امور داخلی خانواده، حاکمیت فضای صمیمی، مودت و گذشت در خانواده.

۷-۱) ملازمه و تکالیف زوجین  
واکاوای مصادیق اخلاق مداری در خانواده در حیطه ی تکالیف زوجین، نیازمند شناخت و فهم دقیق این تکالیف است. به همین

قانون، زن حتی می‌تواند تا پیش از دریافت مهریه، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر اینکه مهریه‌ی او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه‌ی زن نخواهد بود چنین امتناعی که در منابع فقهی با عنوان «حق حبس» از آن یاد می‌شود، تنها شامل تمکین خاص زوجه است و در صورت وقوع اولین تمکین خاص، حق حبس وی ساقط می‌گردد. همچنین، فرض ساقط نشدن نفقه‌ی زوجه در صورت امتناع وی از تمکین خاص، تنها در صورت استفاده‌ی زوجه از حق حبس متصور است (۲۸). در کنار تأکید دین اسلام بر حق زن نسبت به دریافت مهریه، در راستای ابرام بر اصول اخلاقی در خانواده، توصیه‌هایی به زنان مبنی بر ارزش والای مهریه‌ی اندک و بخشش آن شده است. رسول خدا در این باره می‌فرماید: «هر زنی که مهریه اش را به شوهر ببخشد، به هر مثقالی از طلا که بخشیده، ثواب آزاد کردن یک بنده است در راه خدا» (۲۲). ایشان همچنین این گروه از زنان را در زمره ی کسانی دانسته اند که عذاب قبر از آنها برداشته می‌شود (همان، ص: ۳۹۱) این فرمایشات، بعد اخلاقی حق زن بر دریافت مهریه را بیان داشته و تنها جنبه‌ی ارشادی دارد و به نظر می‌رسد به دنبال تلطیف روابط مالی زن و شوهر و تضعیف نگاه معامله‌گرایانه در خانواده است. توصیه به پرداخت نیکوی حق مالی زن و نیز اقدام زن به بخشش مهریه و تعیین اندک آن از دیدگاه خاص اسلام به موضوع مهریه و خانواده حکایت دارد.

اینگونه آموزه‌ها در عین حال که به جبران خسارت مالی برای زن که با پرداختن به امور داخلی منزل و ایفاء نقش‌های خطیر مادری و همسری در خانواده بروز می‌یابد اقدام نموده، دریافت مهریه را نیز با موازین اخلاقی همراه کرده است، تا در صورت ناتوانی مرد به این پرداخت، روابط زوجین با تیرگی و نابودی مواجه نشود، بنابراین، استحکام و استمرار نهاد مقدس خانواده، اصلی بنیادین در تعالیم اسلامی به شمار می‌رود و این اصل، تنها با ملازمه‌ی اخلاق مداری و تکالیف زوجین در خانواده تحقق می‌یابد.

از تفاوت شیوه‌ی تعیین میزان نفقه و مهریه در فقه اسلامی نیز می‌توان به کارکرد خاص اخلاقی مهریه در دیدگاه اسلام پی برد. همان گونه که در بحث نفقه آمد، تعیین میزان و شرایط نفقه‌ی زن متناسب با شأن و وضعیت وی پیش از ازدواج است، اما در نگاه اسلام، برای تعیین میزان مهریه در هنگام عقد نکاح شأن زن مؤثر نیست و تعیین مهریه تنها منوط به تراضی زن و مرد است (۲۸). قانون مدنی کشورمان نیز مستنبط از فقه اسلامی در ماده‌ی ۱۰۸۰، تعیین میزان مهریه را تنها به تراضی زن و مرد وابسته می‌داند.

۳-۱-۷ (ملازمه‌ی اخلاقی مداری در پرداخت اجرت شیردهی): از دیگر حقوق مالی زن، اجرت شیردهی یا رضاع است. به طور کلی، در دیدگاه اسلام شیردهی طفل حق مادر وی محسوب می‌شود و زن می‌تواند به میل و اختیار خود از این حق بهره‌مند شده یا از آن صرف نظر کند. مرد حق تحمیل شیردهی به زن را ندارد و در صورت رضاعت طفل به وسیله‌ی مادر و مطالبه‌ی اجرت، مرد مکلف به پرداخت اجرت شیردهی به وی است (۲۸). در واقع، از آنجا که اجرت رضاع، نفقه‌ی فرزند محسوب می‌شود و پرداخت این نفقه، وظیفه‌ی پدر است، اجرت شیردهی زن بر عهده‌ی همسرش می‌باشد (۲۶). آیه‌ی ۶ سوره‌ی مبارکه‌ی طلاق، چگونگی این روابط را ترسیم کرده است و در امور مرتبط با شیردهی طفل، زوجین را به ایجاد روابط مبتنی بر معروف توصیه می‌کند «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ أُمَّهَاتَهُنَّ وَ أُمَّهَاتُهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعَسَّيْتُمْ فَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ» و اگر برای شما (بچه) شیر می‌دهند، اجرت ایشان را بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت بپردازید و اگر کارتان با هم به دشواری کشید، (زن) دیگری (بچه) را شیر دهد». بر این اساس،

همه‌ی زر و سیم و زمین را به خانه‌ی شوهر ببرد، و روزی بر او منت نهد... اعمال خیرش نابود شود، مگر آنکه توبه کند و از شوهر عذرخواهی کند. همچنین فرموده اند: «ایما امرأه منت علی زوجها بما لها فتقول انما تاکل انتم من مالی لو انها تصدقت بذالک المال فی سبیل الله لا یقبل الله منها الا ان یرضی عنها زوجها»؛ زنی که از روی منت گذاشتن به شوهرش بگوید: تو از مال من می‌خوری، اگر همه‌ی مالش را در راه خدا صدقه دهد از او پذیرفته نشود تا وقتی که شوهرش از او راضی گردد. امام صادق (ع) نیز با بیانی دیگر، از ارتکاب چنین عملی نهی فرموده اند «ایما امرأه قالت لزوجها ما رایت قط من وجهک خیرا فقد حبط عملها» هر زنی که به شوهرش بگوید: من از تو تا کنون خیر ندیده‌ام همه‌ی اعمالش باطل می‌شود» (۲۲). در این سخنان، زن به اجتناب از منت گذاشتن بر همسر، که نوعی آزار زبانی به شمار می‌رود، ملزم شده و این تأکید بر نقش زن در ترک این ضد ارزش، به خاطر تکالیف مرد در انجام دادن وظیفه‌ی تأمین معاش خانواده و پرداخت نفقه‌ی زوجه است. در حقیقت، این روایات بر ترک منت بر همسر از سوی زنی توصیه و تأکید شده است که به دلیل تمکن مالی برتر، تأمین معاش خانواده را بر عهده دارد یا کمکی در این راستا می‌کند. چنین سفارشات، برای ایجاد محبت در خانواده و کمک به تثبیت نقش و حافظ عزت نفس مرد در جایگاه مدیر خانواده ارائه شده و درحقیقت از مهمترین مصادیق اخلاق مداری در خانواده به شمار می‌رود (۲۳).

۲-۱-۷ (ملازمه‌ی اخلاق مداری در پرداخت مهریه): ملازمه‌ی اخلاق مداری با تکلیف زوج در پرداخت مهریه‌ی زوجه را می‌توان با تأمل در مفهوم واژگان قرآنی معادل مهریه، که «نحله» و «صدقات» است دریافت نمود. آیه‌ی ۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نسا می‌فرماید: «وَ اتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» مهریه‌ی زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید. این دو واژه، مفاهیم «بخش بلاعوض» و «صدقات در پرداخت» را در بر دارند. نحله را که از ریشه‌ی «نحل» به معنای زنبور عسل است، در لغت به معنای بدهی و دین و نیز به معنای بخشش و عطیه دانسته اند و برای آن ویژگی‌های «پرداخت داوطلبانه» و «پرداخت بلاعوض و با طیب خاطر» را بیان کرده اند (۲۴).

به اذعان شهید مطهری، مهریه نتیجه‌ی تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر به کار رفته است و استفاده از واژه‌ی «نحله» برای مهریه، کاملاً تصریح می‌کند که مهریه هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیش کشی و عطیه و هدیه ندارد (۲۵). بر این اساس، مفهوم پرداخت مهریه با رضایت خاطر، به ماهیت پیش کشی بودن آن باز می‌گردد و البته این ماهیت، به مفهوم نفی رکن حقوقی مهریه و حق زن بر دریافت آن نیست و تنها تأکید دین اسلام بر التزام به اخلاق مداری در پرداخت و دریافت این حق مالی زوجه را آشکار می‌سازد. صدقات نیز جمع صدقه و به معنای مهریه است (۱۱).

به اعتقاد برخی از اندیشمندان به مهریه صدقه یا صدق گفته می‌شود؛ زیرا نشانه‌ی راستین بودن علاقه‌ی مرد به زن است (۲۵) و با انضمام «هن» به «صدقات»، تعلق این مال به شخص زن تأکید شده است (۲۶). در آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء نیز پرداخت مهریه‌ی زنان با نیکویی تأکید شده است. رسول خدا در تأکید بر حق زن در دریافت مهریه می‌فرماید: «خدای متعال همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، مگر کسی را که مهریه‌ی زن را به تأخیر افکند»، همچنین امام صادق (ع) مردانی را که بدون اذن مهریه‌ی زنان را حلال بشمارند، در زمره‌ی سارقان نامیده اند (۲۷). این حق مالی زن، ضمانت حقوقی نیز دارد.

به موجب ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی، مهریه مالی است که به مجرد وقوع عقد نکاح، زن مالک آن می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. به موجب ماده‌ی ۱۰۸۵ همان

همچنین بروز اشتیاق و آمادگی به سوی مرد با بهره‌گیری از حالاتی زیبا و نیکو را ترک نکنند. به این مفاهیم در روایات دیگری نیز اشاره شده و زن را به افزایش اشتیاق و آمادگی، کم کردن حیا و نیز رفع موانع رابطه‌ی جنسی توصیه کرده است. (۳۱؛ ۲۲). یکی دیگر از توصیه‌های مطرح شده به زن این است که زن خود را به شوهر عرضه کند. امام صادق (ع) فرموده اند: «**تعرض نفسها علیه غدوة و عشية**»؛ «زن خود را هر صبح و شام به شوهر خود عرضه کند» (۳۱). اهمیت روابط جنسی زوجین در دین اسلام، تا به آنجاست که در این باره، در منابع دینی، روایاتی با مضامین جزئی مشاهده می‌شود که شیوه‌ی برخورداری زوجین از مباشرت مطلوب را تبیین نموده است. چنین احادیثی حکایت از آن دارد که دین مبین اسلام وظیفه‌ی زن در تمکین جنسی را فراتر از رفع حاجت مرد می‌داند و از همین روست که بر تأثیر و نقش فعالانه‌ی زن در روابط زناشویی تصریح و تأکید می‌کند.

از سوی دیگر، در پاره‌ای از روایات، توصیه‌هایی به مردان مبنی بر لزوم آراستگی و زینت و نیز انجام دادن امور مقدماتی در مباشرت با همسر دیده می‌شود که در راستای افزایش کیفیت روابط زناشویی و توجه به نیازهای زوجه بوده و اهمیت نقش مرد در حفظ عفت زن را متذکر می‌گردد. در این روایات، مردان به آراستگی با خضاب و خودآرایی و التزام به نظافت دعوت می‌شوند. در این باره از حسن بن جهم نقل شده «بر حضرت امام هفتم وارد شدم که رنگ سیاه بسته بود، عرض کردم: فدایت شوم، رنگ سیاه بسته اید؟ فرمود: در خضاب پاداشی است، خضاب و خودآرایی بر عفت زنان می‌افزاید، همانا زنانی عفت خود را رها می‌کنند که شوهرانشان خود را نمی‌آریند و ژولیده و کثیف می‌مانند. همین روایت از امام رضا (ع) نیز اینگونه نقل شده است: «به حضرت رضا (ع) عرض کردم: خضاب فرموده‌اید؟ فرمود: آری با حنا. مگر نمی‌دانی که این کار سودی فراوان دارد. زن دوست دارد در تو همان زینتی را ببیند که تو دوست داری در او ببینی، و زنانی از عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین نشدند مگر به دلیل کم توجهی شوهرانشان به آرایش. و در ادامه امام رضا (ع) فرمودند: «پدرم از پدران خبر داد که زنان یهود از عفت بیرون رفتند و به فساد کشیده شدند، و چنین نشدند مگر با کم توجهی شوهران به آرایش و نظافت خود» و نیز فرمودند «زن از تو همان را میل دارد که تراز او میل داری».

حضرت علی (ع) در این سخنان، توجه زن در وجود زینت و آراستگی در همسرش را تأکید کرده است و در حقیقت بی‌عفتی زن در چنین شرایطی را حاصل بی‌توجهی مردان به این نیاز زن دانسته‌اند. همچنین در روایات اسلامی، به مردان در انجام مقدمات مقاربت توصیه‌های مؤکدی شده و ایشان را از انجام دادن روابط یک‌سویه که منجر، به عدم تلذذ زن گردد، نهی فرموده است (۲۲).

۵-۷-۱) ملازمه‌ی اخلاق مداری در انحلال ازدواج: از مسائل بسیار مهم در نظام حقوقی خانواده در اسلام وجود حق طلاق برای مردان می‌باشد که با توصیه‌های اخلاقی مؤکدی در چگونگی استفاده از چنین حقی همراه است. بر اساس تصریح قرآن کریم در آیات ۲۲۹ و ۲۳۱ سوره مبارکه‌ی بقره به طور کلی، مردان در زندگی زناشویی بیش از دو راه پیش روی خود ندارند: «زندگی با زن به شایستگی و همراه با ادای حقوق وی» یا «طلاق وی با احسان و نیکی»؛ یعنی توصیه‌های اخلاق مدار دین اسلام در امر انحلال خانواده نیز جریان دارد. «حق طلاق» از آثار ریاست مرد بر خانواده است؛ که استفاده از آن بر اساس نص مقدس باید با اخلاق مداری همراه شود. در این آیات، معاشرت به معروف یک تکلیف شرعی برای مردان تلقی شده است؛ بنابراین، در ادامه‌ی زندگی زناشویی باید وظایف خود را در قبال همسر به خوبی و شایستگی انجام دهد و چنانچه بخواهد از همسرش جدا شود، باید آن را نیز به نیکی و شایستگی تمام

شیردهی یکی از موضوعاتی است که می‌تواند موجبات اختلاف میان زوجین را فراهم کند، به همین دلیل، خداوند متعال با توصیه به احترام به نظرات یکدیگر و تأکید بر اصل مشورت در خانواده، اقدام به تسهیل روابط زوجین در این باره نموده و در این موضوع نیز بر روابط مبتنی بر معروف یا اخلاق مداری تأکید کرده است. در قوانین کشور ما، به چگونگی محاسبه و دریافت اجرت شیردهی زن در صورت مطالبه‌ی وی از دادگاه اشاره‌ی نشده است و می‌توان گفت، این حق مالی زن بدون پیش‌بینی ضمانت اجرای حقوقی، مسکوت گذاشته شده است.

۴-۷-۱) ملازمه‌ی اخلاق مداری در روابط جنسی زوجین: اولین و ابتدایی‌ترین هدف تشکیل خانواده، ارضای مشروع نیاز جنسی زوجین است و در تمتع جنسی، که حق مشترک زن و شوهر است، هر دو در برابر دیگری مسئولیت دارند. در دیدگاه اسلام، به دلیل آنکه رابطه‌ی جنسی زن و شوهر بر میزان استحکام نهاد خانواده و گسترش عفت جنسی در جامعه تأثیری انکارناپذیر دارد، علاوه بر تأکید بر حق جنسی زوجین، آموزه‌هایی با محوریت اصول اخلاقی توصیه شده، تا تمامی ظرفیت‌های این موضوع چه از حیث مادی و جسمی و چه از حیث روحی و عاطفی بارور شود. چرا که تنها با رعایت این اصول رابطه‌ی جنسی زوجین می‌تواند نقش بی‌بدیل خویش در استحکام بنیاد خانواده را به تمام معنا تحقق بخشد. چنین رابطه‌ای، تأثیرات شگرفی در طهارت جسم و روح افراد جامعه خواهد داشت و می‌تواند در کنار التزام به ارزشهایی همچون حفظ حجاب و رعایت حدود شرعی روابط زن و مرد در اجتماع، به سلامت جنسی و اخلاقی جامعه بیانجامد. توجه دین مبین اسلام به مسئله‌ی روابط جنسی زوجین تا آنجاست که در امر ازدواج ناتوانی هر یک از زوجین در برقراری رابطه‌ی جنسی در برخی موارد می‌تواند حق فسخ نکاح را برای طرف مقابل به دنبال داشته باشد برخلاف امور مالی که ابهام و نقص در آنها همچون تعیین نشدن مهریه یا ناتوانی مالی مرد در اداره‌ی امور زندگی از موجبات فسخ نکاح قلمداد نمی‌شود (۲۸). بر این اساس، قانونگذار کشور ما با تبعیت از احکام شرعی در مواد ۱۱۲۲ تا ۱۱۳۲ قانون مدنی، ابعاد حقوقی این موضوع را به تفصیل آورده است. مصادیق اخلاق مداری در رابطه‌ی جنسی زوجین، با توجه به نیازهای متفاوت آنها در این حوزه، در روایات اسلامی بیان شده است که اغلب به مقدمات این رابطه باز می‌گردد. در این راستا باید گفت با توجه به سخنان معصومین (ع) تمکین جنسی زن از شوهر، مشتمل بر مراتبی است. اصل کلی حاکم بر تمکین جنسی زن از شوهر آن است که زن نباید به درخواست همسرش بدون وجود دلیل شرعی پاسخ منفی دهد و مکلف است حق وی را در این باره به طور کامل ادا کند، اما توصیه‌های اخلاقی وارده در این باره، بر نقش فعال زن در رابطه‌ی جنسی نیز تأکید می‌کنند. این توصیه‌ها بیشتر شامل «لزوم خودآرایی و ابراز اشتیاق زن در هنگام خلوت با همسر»؛ «عرضه نمودن خود به شوهر» و «کاستن از حیا و خودداری و رفع موانع در برابر شوهر» است. رسول خدا در مورد ویژگی‌های بهترین زنان می‌فرماید: «ان من خیر نسائکم... و اذا خلا بها بدلت له ما اراد منها و لم تبدل له التبدل الرجل»؛ «از بهترین زنان، زنی است که هنگامی همسرش با وی خلوت کرد، آنچه را شوهر از او درخواست می‌کند، برآورده سازد و خودآرایی و اشتیاق را، آنچنان که مرد ترک می‌نماید، ترک نکند» (۲۹). در این کلام «التبدل» به معنای «ترک خودآرایی و زینت و نیز ترک بروز آمادگی و اشتیاق با حالتی زیبا و نیکو همراه با تواضع» (۸) «تهیاً للأمر» از ریشه‌ی «هیأ» و به معنای «برای آن کار آماده شد و به آن روی آورد» می‌باشد (۳۰)، بنابراین، یکی از شرایط و مصادیق اخلاق مداری در تمکین جنسی زن این است که در هیچ حالتی، حتی هنگامی که مرد اشتیاقی به سمت زن نشان نمی‌دهد، خودآرایی و زینت و

## References

1. Amid, Hassan (1371). Farhang Amid. Tehran: Sepehr Publications
2. Bani Sadr, Ali (1396). Principles of analytical jurisprudence (second edition). Tehran: Chatterdanesh Publications.
3. Mohammadi, Abolhassan, (1999). Fundamentals of Inference of Islamic Law, Tehran: University of Tehran Press
4. Javadi Amoli, Abdullah (2006). Right and Duty in Islam, Qom, Isra.
5. Moin, Mohammad, (1371), Farhang-e Farsi, vol: 1, Tehran: Amir Kabir.
6. Ansari, Mohammad Ali, (1406) The encyclopedia of jurisprudence is the path of those who have the principles, vol. 7, first edition, Qom, Islamic thought.
7. Emami, Seyed Hassan (1378-1370) Civil Law, Vol: 4, Tehran: Islamic Publications
8. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, (1414 AH), Arabic language, Beirut: Dar Sadr.
9. Ibn Faris, Abul Hassan, Ahmad (1404) Dictionary of Comparative Language, Research of Abdul Salam Haroon, Qom, Islamic Media School
10. Bostani, Ghasem (1996) Tajvid Practical, Tehran: Ayat Cultural Publications.
11. Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1375). Bahrain Complex, edited by Ahmad Hosseini Eshkevari, Tehran, Mortazavi
12. Mahdavi Kani, Mohammad Saeed, (2008) The concept of lifestyle and its scope in social sciences, Cultural Research Quarterly, First Year, No. 1
13. Hans, Kelsen (1986).
14. Katozian, Nasser (1993). General Rules of Contracts, Tehran, Publishing Company in collaboration with Bahman Borna.
15. Khosroshahi, Ghodrattullah (1383). Philosophy of Law, Qom, Educational Institute
16. Bahrami Ahmadi, Hamid, (2010), Rules of Jurisprudence (Rule of No Harm), Tehran: Imam Sadeqh University Press.
17. Sarami, Saifullah, (2006), The Right, the Rule and the Task (Conversation with a group of seminary and university professors) Qom, Research Institute of Science and Culture

کند. خداوند متعال در موضوع جدایی زوجین نیز بر اصل معروف تأکید می‌نماید تا راهکاری برای ردّ این انحلال با رجوع مرد به زن در طلاق رجعی (طلاق، آیه ۱) و امکان بازگشت دوباره‌ی زوجین به زندگی خانوادگی را فراهم آورد. در تحقق این راهکار، جدایی همراه با التزام به اصل معروف نقش مؤثری دارد. به علاوه در دیدگاه اسلام، شخصیت انساها حرمت ذاتی دارد و این احترام نباید حتی در زمان بروز اختلافات و جدایی نیز شکسته شود.

## نتیجه گیری

خانواده اولین و کوچک ترین نهاد اجتماعی جامعه ی بشری می باشد که دلیل طبیعی و بنیادین تشکیل آن «جنسیت» است و در زمره ی ارکان تعیین کننده ی حقوق و تکالیف زوجین به شمار می رود. بی تردید محور تقسیم وظایف زن و مرد در خانواده بر اساس تفاوت های تکوینی آنها با یکدیگر است که خداوند در متن خلقت آنها نهاده و بر اساس همین تفاوت ها، در وجود زن و مرد استعداد ها، علایق و نگرش های همان جنس را قرار داده است که زیر بنای تفاوت های تشریحی و تقسیم وظایف را در خانواده در بر می گیرد. این تکالیف که در دو بُعد وظایف مشترک و اختصاصی، از رهگذر وحی و تعالیم اسلامی به ما رسیده اند شامل حسن معاشرت، تلاش در جهت تحکیم مبانی خانواده، تربیت فرزندان و وظایف اختصاصی مانند وجوب مدیریت خانواده بر مرد، دادن نفقه به شرط تمکین از ناحیه ی زن می شود. از این رو، اسلام به سلامت و رشد خانواده از طریق برنامه ی تربیتی خاصی به نام سبک زندگی اسلامی می پردازد. در این سبک از زندگی اسلام، سنگ بنای روابط سالم انسان ها را بر پایه ی «اخلاق» بنا نهاده و همواره در آیات و روایات و سایر دستور های دینی، اخلاق مدّ نظر شارع مقدّس بوده است. بر همین اساس، در تنظیم روابط انسان ها قبل از آنکه آنها را به سمت حاکمیت قانون و حقوق سوق دهد، آنها را به رعایت دستورات اخلاقی توصیه نموده؛ زیرا اخلاق مقدّم بر قانون است. بر این اساس، اگر روابط زوجین به جای آنکه بر پایه ی حاکمیت اخلاقی استوار باشد، با ابزار حقوقی اداره شود، سستی و سردی بر روابط اعضای خانواده سایه می گستراند و زندگی، بی روح و تهی از نشاط و شادابی خواهد بود؛ بنابراین، یکی از مهمّترین شرایط در انتخاب همسر، «خوش اخلاقی» فرد دانسته شده و بدین وسیله بر اهمیّت وافر عنصر اخلاق بر شکل گیری نهاد خانواده تأکید شده است.

رابطه ی میان حق و تکلیف رابطه ای دوسویه و غیر قابل تفکیک است که در روابط همه ی انسان ها با یکدیگر حاکم است و توجه به این رابطه ی دوسویه، زن و مرد را به سمت تکالیفی که خداوند برایشان در قبال یکدیگر وضع نموده، سوق می دهد. دین مقدّس اسلام، تمامی این تکالیف را در ملازمه با توصیه های اخلاق مدار بیان نموده و زوجین را در انجام دادن تکالیف خویش، به برقراری اصل معروف و حسن معاشرت دعوت نموده است. همچنین در تمامی مراحل ازدواج از خواستگاری تا انحلال، بر توصیه های اخلاق مدار مبتنی بر اصل معروف و با مصادیقی چون ایّخاذا قول معروف، ادای حقوق مالی زن به شایستگی، صبر، سازش زوجین در برابر مشکلات، جدایی با احترام و نیکویی و... تأکید کرده است. از این رو، قانونگذار با تبعیّت از فقه امامیه، قوانینی در راستای حمایت از اصول اخلاقی در خانواده مقرر کرده تا بدین وسیله، تخطی از این اصول، از ضمانت اجرای حقوقی کافی برخوردار باشد، که رعایت همه این موارد نشان از سبک زندگی اسلامی است.

18. Katozian, Nasser, (2003), Basic Civil Law Course, Tehran, Volume
19. Mirkhani, Ezzat Sadat, (2001), A New Approach in Family Relations, Tehran, Safir Sobh.
20. Makarem Shirazi, Nasser, (1353-1411). Al-Qawa'd al-Fiqhiyyah, vol. 2, Qom: Amir al-Mo'menin School
21. Majlisi, Mohammad Baqir (1378). The book of faith and disbelief in the spring of lights, translated by Azizullah Atardi Ghouchani, Tehran, Atard
22. Hur Ameli, Muhammad Ibn Hassan (1409). Wasa'il al-Shi'ah, Qom
23. Majlisi, Mohammad Taqi (1414). Lamah Sahib Qurani (known as Sharh Faqih) Qom, Ismailian
24. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412). Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Beirut, Dar Al-Alam
25. Motahari, Morteza (1993). The system of women's rights in the family, Tehran, Sadr.
26. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein (1417). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Islamic.
27. Boroujerdi, Seyyed Hossein, (2007 AH), Sources of Shiite jurisprudence (comprehensive translation of Shiite hadiths), Tehran: Farhang Sabz
28. Najafi, Sheikh Mohammad Hassan (1404), Jawaharlal Kalam, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi
29. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali, (1413 AH), from the presence of the jurist, Qom: Islamic Islamic School.
30. Mahyar, Reza (1410). Arabic-Persian alphabetic culture, Tehran, Islamic
31. Klini, Muhammad ibn Ya'qub (1407). Al-Kafi, Islamic Library
32. The Holy Quran